

همان گونه که گذشت

از آن جا که قضاوت از شئون حکومت و ولایت است، قانون گذار می تواند در این رابطه محدودیت هایی را اعمال کند و - فی المثل - از عمل قضات به علم خویش در فرض مخالفت با اماره منع کند یا از عمل به علم خاصی از شخص خاصی یا از هرکس در پرونده خاصی جلوگیری کند¹، همچنین فرمان به لزوم اعتنا به نظر کارشناس دهد. این پدیده در بخشنامه ذیل به نوعی رخ نموده است. توجه کنید:

«بخشنامه شماره 1/56313 مورخ 6/12/62 شورای عالی قضایی به کلیه دادسراها و دادگاه های کیفری سراسر کشور:» به طوری که از بازرسی کل کشور اطلاع داده اند، در برخی از مراجع کیفری به دلایلی نظیر پزشکی قانونی و انگشت نگاری و غیره برای تحقیق در کشف جرم و اثبات آن توجه نمی شود و از این رهگذر به صاحبان حقوق زیان وارد شده، موجب نارضایی و شکایت آنان شده است؛ بنابراین لزوما متذکر می گردد که هر چند در برخی جرایم طریق اثبات دعوی در قانون ذکر شده، لیکن چون این امر از باب طریقت و حصول علم برای قاضی است و قاضی برای حصول قطع و یقین از هیچ نوع تحقیقی که علم را تحصیل کند، منع نگردیده مقتضی است در رسیدگی ها استفاده از طریق علمی کشف جرم را مورد غفلت قرار ندهند و از وسایلی که دانش بشری در این باره فراهم نموده است، استفاده نمایند.»

این بخشنامه، هر چند مصداقا با فرض گفتگوی ما متفاوت است، لکن خبر از وقوع دخالت برخی نهادهای قضایی وابسته به حکومت در حدود اختیارات قضاوت میدهد، امری که ما به دنبال اثبات جواز و ضرورت آن در برخی موارد هستیم.

ناموجه بودن سبب انگاری قاضی عالم به خلاف برای تحقق خلاف حق بر فرض امتناع از داوری

گاه توهم می شود: هر گاه قاضی برخلاف مفاد امارات قانونی عالم یا مطمئن باشد و از قضاوت خودداری و داوری را به دیگری واگذار نماید، در واقع مطابق اعتقاد خودش، با این واگذاری سبب برای قضاوت ناحق شده؛ زیرا قاضی دوم - علی القاعده - مطابق اماره ای که قاضی اول، آن را خلاف حق می داند، داوری میکند و...

این توهم ناصحیح است؛ زیرا در این جا بحث واگذاری نیست؛ بلکه امروزه دیگران در این باره تصمیم می گیرند، ضمن این که بر این واگذاری، سبب شدن برای تحقق خلاف واقع صادق نیست و مسئولیتی تکلیفا و وضعاً متوجه وی نخواهد بود.

1. اصولاً افراد غیر متعادل و غیر متعارف در علم و اطمینان - به ویژه در فرض وجود مندوحه - صلاحیت قضاوت ندارند. اعتدال مزاج باید خط قرمز نصب برای قضاوت باشد.

وضعیت سایر امارات قانونی (غیر از علم و اطمینان) از جهت موضوعیت یا طریقت داشتن

در مباحث سابق، هر چند تمرکز بیشتر بر علم و اطمینان - اثباتا و منعا - بود، لکن به مناسبات مکرر از سایر امارات نیز سخن به میان آمد و طرح آن در مجال حاضر، به قصد تنصیص بر نتیجه است؛ بدین قرار:

- امارات قانونی در شریعت مطهر نه موضوعیت مطلق دارند که حتی در فرض علم یا اطمینان مقام قضایی بر خلاف، معتبر باشند، و نه طریقت مطلق به علم و اطمینان وی دارند که تنها در فرض افاده یکی از این دو حالت اعتبار داشته باشند.
- قانون گذار می تواند برخی ترخیصات یا تضییقات را در حدود اعتبار امارات قانونی اعمال کند؛ مثلا در فضای حاکمیت فساد و تعصب، اثبات قتل و اجرای قصاص از طریق قسامه را منع کند؛ یا گونه ای خاص از قسامه - چون قسامه با کمتر از 50 نفر و از طریق تکرار قسم - را غیر قابل اعمال بداند. واضح است که در این زمینه باید از کارشناسان امین بهره برد و اصل را بر عدم وجود اقتضای ملزم گذاشته شود؛ مگر خلاف آن ثابت شود.
- تصرف فوق می تواند خاص و موردی باشد، چنان که میتواند عام، رسمی و قانونی باشد.
-

رتبه بندی امارات قانونی

در ادامه گفتگو از سیستم قضایی اسلام و وضعیت امارات بحث رتبه بندی امارات مطرح است. در این باره قانون گذار ج.ا. ایران ورودهایی داشته است از جمله در ماده 212 و 213 از قانون م.ا. مصوب 1392 علم بین را بر سایر امارات قانونی مقدم میدارد. در مرتبه بعد اقرار را بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند و در گام سوم شهادت شرعی را بر قسامه و سوگند مقدم می نماید.

بنابراین رسم قانونی در این باره چنین خواهد بود:

- علم بین
- اقرار
- شهادت شرعی
- قسامه و قسم.